

ماهنامه

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

چانه زدن بر سر افزایش تولید نفت ادامه دارد

و صادرات سال ۱۹۶۷ بمیزان تقریباً ۲۲ درصد در سال نمود. بعد ها ایران بقول روزنامه اطلاعات برای « تفاهم بیشتر » ولی در واقع در اثر مقاومت و مخالفت کنسرسیوم رقم مزبور را تا ۱۶٫۸ در صد پائین آورد. در دور چهارم مذاکرات، که در اسفند ماه گذشته انجام گرفت، طبق خبر روزنامه های ایران کنسرسیوم ۱۲ یا ۱۳ درصد افزایش را پیشنهاد کرد. سرانجام در اول اردیبهشت دنباله در صفحه ۲

سال گذشته با کنسرسیوم بین المللی نفت است. هنوز خبر مشخصی انتشار نیافته است. مذاکرات سال گذشته چه بود ؟

مذاکرات سال گذشته، که خود ادامه مذاکرات سالهای قبل بود، مانند حالا باز هم بر سر افزایش تولید نفت دور میزد. در اولین دور مذاکرات ایران از کنسرسیوم تقاضای افزایش تولید و صادرات نفت را در پنجسال (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱) بر مبنای تولید

روزنامه های ایران تأکید کرده اند که یکی از مهمترین مسائل مورد مذاکره بین هویدا نخست وزیر و مقامات امریکائی درواشنگتن افزایش تولید نفت ایران و تأمین اعتبار برنامه عمرانی چهارم بوده است. درباره نتیجه مذاکرات نفتی- که در واقع ادامه مذاکرات

در باره سفر هویدا به امریکا

اطلاعات روز ۱۳ آذر از قول خبرگزاری « آسوشیتد پریس » از واشنگتن اطلاع داد که: « رئیس دولت ایران برای انجام مذاکراتی درباره آینده اقتصادی ایران و تأکید بر روی مسئله افزایش تولید نفت با ایالات متحده آمده است ... » روزنامه فرانسوی لوموند مورخ ۱۹ دسامبر مقاصد این هیئت را از قول علامبر مخبر خود در تهران بدین ترتیب ذکر میکند: مسئله خلیج فارس، مسائل دفاعی ایران، روابط اقتصادی ایران و امریکا، توسعه صنعتی و کشاورزی در ایران در کادر برنامه چهارم مذاکره با شرکتهای امریکائی کنسرسیوم نفت بمنظور بالا بردن احتمالی تولید نفت از ملاقاتها و مذاکراتی که نخست وزیر و همراهانش با مقامات امریکائی بعمل آورده اند مقاصد فوق الذکر تأیید میشود. نخست وزیر هنگام توقف خود در امریکا با جانسون رئیس جمهور، با دین راسک وزیر خارجه، با مورفی نماینده نیکسون رئیس جمهور جدید امریکا با رؤسای بانکهای امریکا و با مدیران شرکت

دنباله در صفحه ۴

روز ۱۲ آذر نخست وزیر با تفاق مدیر عامل سازمان برنامه و فلاح عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت برای مدت دو هفته با امریکا رفت. درباره هدف این مسافرت خبرگزاری « رویتر » از واشنگتن اعلام کرد که: « بنا باظهارات مقامات رسمی انتظار میرود رئیس دولت ایران و پرزیدنت جانسون ... پیرامون چگونگی حفظ ثبات در خاور میانه و خلیج فارس در دوروز آینده مذاکره کنند. مقامات رسمی اعلام کردند در روابط دوجانبه ایران و امریکا هیچگونه مسئله حادی برای مذاکره وجود ندارد. بنا بر این تأکید، مذاکرات بنظر میرسد بیشتر روی یافتن یک راه حل صالح آمیز در خاور میانه قرار گیرد و محتماً این مذاکرات یک ارزیابی از مقاصد شوروی را در این ناحیه در بر میگیرد ... »

«چپ نو»

اصطلاح «چپ نو» (« نیو لفت ») را برای اولین بار روزنامه های بورژوائی امریکا بکار بردند و خود، ضمن تعریفی که از این اصطلاح دادند، مقصود خود را چنین فهماندند: «چپ نو» آن نیرو هائیی هستند که جامعه سرمایه داری را از جانب چپ مورد انتقاد قرار میدهند و خواستار تحوّلند ولسی در عین حال با آن چپیی که ما تا کنون می شناختیم و با اصطلاح «سرسپرد» مسکو بود فرق دارند. آنها نسبت بمسکو جنبه مستقل یا حتی مخالف دارند. اگر بخواهیم این تعریف را به بیان روشن تر با اصطلاح متداول امروزی «پیاده کنیم» باید بگوئیم: چپ نو یعنی چپ ضد شوروی. البته مفهوم «چپ ضد شوروی» مانند مفهوم «کوسه ریش بهن» یا «گردد مربع» یک مفهوم متناقض است زیرا انقلابی بودن و با مهمترین قدرت سوسیالیستی جهان ضدیت کردن با هم ناسازگار است. آری، میتوان با این یا آن حزب یا دولت سوسیالیستی، در این یا آن

دنباله در صفحه ۲

پیروزی های بزرگ فضائی

در حالیکه امریکائیها در جستجوی جبران عقب ماندگی خود در زمینه دستاورد های فضائی بیشتر دنبال اقدامات نظر گیرنده دانش شوروی بدون آنکه در میدان مسابقه « شهرت » وارد شود، خونسرد و متین به اقدام مجدانه ای مشغول است که بنیاد تسلط بیشتر انسان بر فضا است. در هفته های اخیر دو اقدام مهم در این جهت صورت گرفته است: اول اعزام دو ایستگاه فضائی مجهز به ستاره زهره که هر دو در ماه مه در این سیاره اسرار آمیز فرود خواهند آمد و اطلاعات ما را درباره آن که هنوز ناقص است کاملتر خواهند ساخت. دوم اعزام دو کشتی کیهان نورد سایوز ۴ و سایوز ۵ مرکب از کابین فرماندهی و اتاق مداری وسیع و مجهز به کلیه وسائل به مدار دور زمین. در سایوز ۴ ولادیمیر شاتالوف و در سایوز ۵ سه تن بوریس والیف (فرمانده) دکتر آلکسی یلی سفیف و یوگنی خرووف (بترتیب مهندسی کشتی هوائی و پژوهشهای علمی) جای داشتند. سایوز ۴ و سایوز ۵ روز ۵ شنبه ۱۶ ژانویه ملاقات مداری را انجام دادند. دو تن از کارکنان سایوز ۵ به سایوز ۴ رفتند و در سایوز ۵ فقط فرمانده آن باقی ماند. و سپس این دو کشتی از هم جدا شدند و در مدارهای مختلف بجزخس پراختند.

این آزمایشها تمام مقدمات ایجاد ایستگاه فضائی را آماده کرده است و تردیدی نیست که اتحاد شوروی در ساختمان این ایستگاه فضائی که کار بشر را در امر تعریف کیهان برپایه محکم قرار میدهد نقش درجه اول دارد. لاف و گزاف تبلیغاتی سرمایه داری که پس از سفر سه کیهان نورد امریکائی به دور ماه اعلام داشتند، که گویا در مسابقه فضائی امریکا عقب ماندگی خود را جبران کرده و حتی پیش افتاده است برای فریب خوشبختان است. اتحاد شوروی با اطمینان کامل نقش ملایه دار دانش و فن فضائی را که کما کان ایفاء میکند و رشته ابتکار را در دست دارد. ما این پیروزیهای بزرگ فضائی را به مردم شوروی، بحزب کمونیست و دولت شوروی، به کیهان نوردان، دانشمندان و تکنیسین های این کشور از صمیم قلب شادباش میگوئیم و برآری آنها را برفوی از برتری سرشتی سیستم سوسیالیستی میدانیم که علی رغم همه مشکلات تاریخی فرناشته است. این اوج شکرف دانش و فن دست یابند کمیته مرکزی حزب ما، باین مناسبت تلگراف تبریکی به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشته که در روزنامه، پراودا، انتشار یافته است.

پنجاه سال مبارزه قهرمانانه

(بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس سازمان لنینی جوانان «کومسومول»)

کشور اضافه کرد: «خواستهای جوانان ما وقتی تحقق پیدا میکند که در جامعه ایران تغییرات ریشه ای و اساسی صورت گیرد. جوانان ما در این جهت مردانه مبارزه میکنند. در این مبارزه جوانان مترقی ایران به کمک و پشتیبانی جوانان سراسر جهان و قبل از همه جوانان شوروی و سازمان لنینی آن کومسومول نیازمندند.»

جوانان شرکت کننده در این جشن بزرگ با زندگی، کار و تحصیل جوانان شوروی و پیشاهنگ آنها سازمان لنینی جوانان کومونیست شوروی آشنا شدند. سازمان کومسومول در سالهای انقلاب اکبر و جنگهای داخلی متولد و در نبردهای طبقاتی آبدیده گردید. هنوز جنگهای داخلی ادامه داشت که حزب به سازمان کومسومول مأموریت داد تا جوانان را برای برپا داشتن سوسیالیسم و ساختن کارخانه ها و معادن

دنباله در صفحه ۵

در ۲۹ اکتبر سازمان جوانان کمونیست شوروی «کومسومول» پنجاه سالگی خود را برگزار نمود. در این مراسم نمایندگان سازمان های جوانان مترقی و دمکرات جهان از جمله نماینده جوانان توده ای ایران شرکت نمودند.

نماینده جوانان توده ای ایران در جلسات مختلف جوانان شرکت ورزید و با خبرنگاران جوان مصاحبه کرد و در همه جا شرایط زندگی و مبارزه جوانان ایران را با اطلاع جوانان شوروی رساند. از جمله در یکی از این سخنرانیها گفت: «جوانان ما در شرایط سخت، در شرایط فقدان هر گونه آزادیهای دمکراتیک در راه بدست آوردن حقوق خود مبارزه میکنند. مبارزان مورد تعقیب قرار میگیرند و رژیم شاه جوانان مبارز و مترقی را بزبانها میافکند و رهسپار نقاط بد آب و هوا میکند.» نماینده جوانان توده ای ایران پس از تشریح اوضاع سیاسی

بنا باعتراف خبرگزاریهای امریکائی نزدیک به ۲۳۰ هزار

تلفات امریکا

در ویت نام جنوبی

موافق اطلاع «آژانس یونایتد پریس» و «آسوشیتد پریس» تلفات امریکا در ویتنام در سال ۱۹۶۸-۱۵۲۱ نفر کشته و ۹۲۵۶۴ نفر زخمی بوده است که خود این میزان برابر با تلفات هفت سال اولیه جنگ است. از آغاز ژانویه ۱۹۶۱ مجموع تلفات امریکا به ۳۰۵۴۳ کشته و ۱۹۲۳۲۷ زخمی میرسد یعنی مجموع تلفات به ۲۲۲۸۷۰ نفر بالغ میگردد.

این ارقامی است که خبرگزاریهای امریکائی ذکر میکنند و مسلماً واقعیت از این ارقام بسی بیشتر است. اگر علاوه بر این ارقام به تعداد ۳۰۰۰ هواپیمای امریکائی که در ویتنام سرنگون شده توجه کنیم، آنگاه صحت سخن دولت ویت نام شمالی و مجاهدان جبهه نجاتبخش ویتنام جنوبی درباره شکست بزرگ امریکا که او را ناچار به پشت میز مذاکره کشانده است، بی سبب نیست.

تلفات امریکا از جهت نفقات و مهمات در جنگ ویتنام به مراتب از تلفات این کشور در جنگ دوم جهانی بیشتر است.

دنباله از صفحه ۱

چانه زدن بر سر افزایش تولید نفت ادامه دارد

امسال اطلاعاتی ای بعنوان اعلام نتیجه آخرین دور مذاکرات از طرف شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم صادر شد که در آن فقط از اینکه مذاکرات با «حسن تفاهم کامل» انجام گرفته صحبت شده بود. روزنامه های ایران طبق معمول باز هم درباره «پیروزی» ایران داد سخن دادند، ولی هفته نامه اکونومیست لندن نتیجه مذاکرات را «راز شاهانه» نامید و ضمناً خود حدس زد که افزایش تولید نفت ایران باید رقمی بین ۱۲ تا ۱۳ درصد باشد، یعنی همان رقمی که کنسرسیوم قبلاً پیشنهاد کرده بود.

پیروزی یا عقب نشینی؟

اینکه این بار هم «پیروزی» ایران یک عقب نشینی رسوا در برابر کنسرسیوم بود حتی از گذشته هم آشکار تر بود. زیرا: اولاً تقاضای ۲۲ درصد افزایش به ۱۶٫۸ درصد تقلیل یافت. ثانیاً ۱۶٫۸ درصد به ۱۲ یا ۱۳ درصد کاهش یافت، یعنی همان چیزی که خود کنسرسیوم پیشنهاد کرده بود. صحت این رقم را واقعیات زیر تأیید میکند: (۱) برخلاف همیشه که در اعلامیه پایان مذاکرات لااقل بطور کلی نتایج بدست آمده ذکر میشد، این بار فقط از «حسن تفاهم کامل» سخن رفته بود بدون اینکه ذکری از هیچ رقمی بماند. (۲) در همان زمان جلسه سری مجلس تشکیل شد که به احتمال قوی در باره همین مسئله بود. (۳) روزنامه های ایران با اینکه این بار هم درباره «پیروزی» ایران قلمفرسائی کردند ولی سر و صدای آنها خیلی زود خاموش شد و بویژه هیچ اشاره ای بر رقم مورد توافق نکردند. (۴) هفته نامه اکونومیست لندن که به مسائل پشت پرده آگاهی کامل دارد بیهوده از «راز شاهانه» سخن نیکگوید و بدون اطلاع، رقم ۱۲ یا ۱۳ درصد را «حدس» نمیزند.

نتیجه اینکه دولت ایران علیرغم ادعاها و سر و صداها و تلاشها به همان افزایش معمولی پیشنهادی کنسرسیوم تن در داد. این البته خلاف انتظار و تمایل دولت ایران بود و هست. بهمین جهت تلاش دولت ایران ادامه دارد تا جائیکه این بار شخص نخست وزیر روانه سر زمین نفتخواران شد تا پشتیبانی دولت امریکارا برای حل مشکل دولت ایران جلب کند.

مشکل دولت ایران چیست؟

مشکل دولت ایران همان مشکل قدیمی است: سه منبع اصلی در آمد دولت ایران عبارتست از مالیات و قرضه خارجی و درآمد نفت. دولت ایران کوشیده است و میکوشد که در هر سه زمینه منابع درآمد خود را افزایش دهد. مالیاتها و بویژه مالیات غیر مستقیم که بار آن بر دوش زحمتکشان است دائماً افزایش می یابد. در مورد قرضه خارجی

دنباله از صفحه ۱

«چپ نو»

نکته مشخص، برای این یا آن دوران معین اختلاف دید و قضاوت یافت، ولی این امر تنها در چارچوب یک همبستگی عمیق و صادقانه و بی گیر، در چارچوب پشتیبانی جدی و همه جانبه، مفهوم است و وقتی بصورت ضدیت سیستماتیک در آید باطل و غیر مفهوم است. اگر از این محور منفی «آنتی سوسیالیسم» بعنوان تنها محور مشترک «چپ نو» بکنیم، دیگر هیچ چیز در میان نیروهای چپ نو مشترک نیست. از تعالیم مارکس و انگلس و لنین گرفته تا نظریات ترسکی، ایساک دوپچر، هربرت مار کوزه، فائو، رژیس دوبره و غیره، از خواست اقدامات چریکی مسلحانه فوری برای سرنگون کردن سرمایه داری

در پیش گرفته از همین ماهیت سرچشمه میگیرد. نمیتوان تسلط امپریالیسم را بر بزرگترین ثروت ملی ایران حفظ کرد و دچار مشکل نشد. نمیتوان با حفظ تسلط امپریالیسم این مشکل را حل کرد. راه حل اصولی و بنیادی این مشکل از بین بردن تسلط امپریالیسم است که البته از رژیم وابسته به امپریالیسم ساخته نیست. اشتباه نشود. ما تا از بین بردن تسلط امپریالیسم بر منابع ثروت ایران، که شعار اصلی و اساسی ماست و فقط از یک حکومت ملی و دمکراتیک ساخته است، با گرفتن این یا آن امتیاز معین از شرکتهای نفتی بهر شکل که باشد نه فقط مخالف نیستیم بلکه آنرا جزء شعارهای تاکتیکی نهضت ملی و دمکراتیک ایران میدانیم، زیرا چنین مبارزه تاکتیکی میتواند ماهیت رژیم کنونی و امپریالیسم را بیش از پیش فاش سازد و توده های مردم را بمبارزه برای نیل به هدف استراتژیک مجهز و متشکل نماید. ولی دولت کنونی که مدعی داشتن یک «سیاست ملی و مستقل» است با توجه به شرایط مشخص کنونی در جهان بویژه در مسئله نفت بدترین راه افزایش درآمد یعنی افزایش تولید نفت را در پیش گرفته است. زیرا افزایش تولید نفت و افزایش درآمد نفت از این راه در واقع یعنی تشدید وابستگی به کنسرسیوم. این در زمانی است که دولت ایران پیشنهاد بسابقه اتحاد شوروی را برای استخراج و بهره برداری از منابع نفت مسکوت گذاشته و از بازار کشورهای سوسیالیستی برای فروش بازار نفت بمقدار بسیار محدود استفاده میکند. این در زمانی است که دولت ایران حتی از قبولاندن شرایط قرار دادهای جدید نفتی (از جمله قرار داد ایران و فرانسه که دولت خیلی به آن می نازد) به کنسرسیوم عاجز است.

چانه زدن بر سر افزایش درآمد نفت ممکن است به نتایج معینی برسد، افزایش درآمد نفت هم بخودی خود مورد مخالفت نیست، ولی این سیاست نفتی نه مشکل دولت ایران را حل خواهد کرد و نه به آزادی و استقلال واقعی ملت ایران کمک خواهد نمود.

م. انوشه

گرفته تا «سوسیالیسم دمکراتیک» و حق غیر محدود به آزادی، از مطالبه آناارشیستی «الف» همه گونه مؤسسات و یا «دست زدن به انقلاب فرهنگی» برای تحول روح بشر و ایجاد انسان نو گرفته تا ایجاد «هیننگ» های روز سره بعنوان پرست علیه موازین موجود و آرایش سر و روی خود با اشکال نظر گیر و غیره و غیره همه چیز در آتش درهم جوش «چپ نو» دیده میشود.

در میان طرفداران «چپ نو» که غالباً از روشنفکران بویژه دانشجویانند همه گونه عناصری هستند: عناصر صریح ولی خیال پرور انقلابی که بغرنجی های سوسیالیسم در پراتیک رادیکال نمی کنند و مجذوب ایدهال های مجردی هستند که با همه صحت و اصالت آنها برای تحقق عملیشان، تلاش تدریجی و گذشت زمان لازم است؛ با عناصر ناسوسیالیست که مفهوم انترناسیونالیسم پرولتری برای آنها با مفهوم تبعیت از یکدولت بزرگ یکی است و احساسات ناسوسیالیستی آنها بر قضاوتهای سوسیالیستی شان میچربد؛ عناصر لیبرال که برای آنها اصل میر کزیت دموکراتیک اصل دیکتاتوری پرولتاریا غیر قابل درک است و خواستار آزادی غیر محدود و دمکراسی وسیعند؛ عناصر مغرض و جاه طلبان که میخواهند با نزدیک کردن خود به قطب های ضد شوروی ولی در حدود شعارهای چپ، راه خود را بسوی جلو باز کنند و سرانجام عمال امپریالیسم که ماهرانه در درون چپ نو برای ایجاد جبهه نیرومندی از سمت چپ علیه سوسیالیسم علیه اتحاد شوروی کار می کنند و باید انصاف داد که در کار خود بدون موفقیت نیز نبوده اند. البته خطای مطلق است که این عناصر را که با انگیزه های مختلف معرفتی و طبقاتی اجتماعی و شخصی در این جریان نادرست شرکت دارند یک چوب برانیم. چنانکه خطاست که ما در اینجا از تاکتیک دشمن نیز غافل باشیم.

ریشه اجتماعی جریانات «چپ نو» رخنه طرز تفکر خرده بورژوازی است که از انقلابگری کاذب و بسیار سوزان گرفته، تا نفرت و لعن به هر چه انقلاب است نوسان می کند.

ریشه معرفتی جریانات «چپ نو» از این بغرنجتر است. چنانکه گفتیم عدم درک و هضم یک سلسله از پروسه های ساختمان سوسیالیسم در عمل، در پراتیک، در جهان ما و در جوامعی که در آن پیروز شده است از سوئی، واکنش در برابر یک سلسله خطاها و اشتباهات واقعی که در این پروسه پراتیک وجود داشته یا دارد، از طرف دیگر، منشاء معرفتی «چپ نو» است.

باین دو منشاء باید دلایل سیاسی، اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و فعالیت شدید انشعابگرانه هواداران مائو و چنانکه گفتیم، تلاشهای زیرکانه دشمنان طبقاتی پرولتاریا را نیز افزود. در عین حال «چپ نو» نشانه تشدید تضاد جوامع سرمایه داری، عاجز بودن نظام سرمایه داری در حل این تضادها و اعتراض به نابرابریها و تبعیضات ایستادگی است.

دنباله در صفحه ۵

پیرامون برخی از مسائل جنبش دانشجویی ایران

«انقلاب آموزشی»
دو ماه از سال تحصیلی ۴۸ - ۴۷ دانشگاه میگذرد، در این مدت بخوبی آشکار گردید که مضحکه «انقلاب آموزشی» شاهانه نه تنها گره ای از کار دانشجویان نگشود، بلکه مشکلات تازه ای نیز بر سر راه آنان بوجود آورده است.

«انقلاب آموزشی» تنها گروهی از سرسپردگان را جانشین گروه دیگر ساخت. تعویض رؤسای دانشگاهها و دانشکده ها به یک کمدهی واقعی مبدل گردید؛ یک نفر را بنام سرپرست این یا آن دانشگاه یادداشت کرده معین میکردند و در عین حال «اقدامات و فعالیتهای شایسته» سرپرست سابق را نیز مورد تمجید قرار میدادند و این خیمه شب بازی را «انقلاب آموزشی» نامیدند. در این میان البته در باره دانشجویان و شرکت دادن آنها در اداره امور دانشگاه و بهبود بخشیدن روابط میان دانشجویان و مقامات آموزشی نیز حرف هایی زده شد، ولی اولیاء امور سعی کردند قبل از باز شدن دانشگاهها به بحث در باره «انقلاب آموزشی» بپردازند تا مبادا دانشجویان بشوهر خود در این بحثها شرکت جویند. باصطلاح «انقلاب آموزشی» هنگامی جریان داشت که عده زیادی از دانشجویان بجرم شرکت در فعالیتهای صنفی دانشجویی و بگناه کوشش در راه ایجاد یک محیط سالم آموزشی در زندانها و سربازخانه ها بسر میبردند. رژیم پلیسی تصور میکرد با دستگیری این عده دانشگاه «امن و امان» خواهد شد. ولی در همین دو ماه اخیر، دانشجویان از هر فرصتی برای ابراز انزجار نسبت به رژیم و اعلام مطالبات حقه صنفی و دمکراتیک خود استفاده کردند. کافست که بچند نمونه از مبارزات اخیر اشاره شود:

در حادثه دلخراش زلزله خراسان یکی از دانشجویان مبارز دانشجویان و فعال دانشکده اقتصاد بنام حسن توسلی در کاخ کشته شد و دانشجویان بخاطر تجلیل از خاطره او و ابراز همدردی نسبت به هموطنان آسیب دیده مجالس متعددی ترتیب دادند. از جمله مجلس ختمی بمناسبت کشته شدن توسلی و بیست هزار هموطن خراسانی از طرف آقایان مهندس مهدی بازرگان و آیت اله طالقانی بنام همه دانشجویان یان دانشگاه تهران در مسجد ارگ منعقد گردید. و نیز مراسم جهلم توسلی با شرکت عده زیادی از دانشجویان در برابر مسجد دانشگاه منعقد شد. در این مراسم مقالات و اشعاری در مورد همبستگی دانشجویان و زحمتمکشان خوانده شد و دانشجویان خاطره دوست مبارز خود را گرامی داشتند و سوگواری یاد کردند که به آرمان توسلی و همه شیفتهگان

آزادی وفادار بمانند.
دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز بخاطر تغییر کادر ریاست این دانشکده از رفتن بسر کلاس های درس خود داری نمودند و بر اثر اعتصاب دیگر آنها، بعضی از خواسته هایشان مورد قبول قرار گرفت. نسبت به وضع آموزشی دانشگاه اعتراضات پراکنده ای نیز شده است. از جمله دانشجویان حقوق سیاسی دانشگاه تهران نیز بعنوان اعتراض نسبت به گرانی کتاب دست باعصاب زدند و این اعتصاب از طرف عده زیادی از دانشجویان مورد پشتیبانی قرار گرفت.

اینها و نمونه های دیگر همگی نشان میدهند که جنبش دانشجویی خاموش شدنی نیست. مشکلات آموزشی و وضع نامناسب دانشگاه و محرومتهای دانشجویان در واقع ناشی از ماهیت رژیم ضدملی و ضد دمکراتیک حاکم بر ایران است و حل قطعی و همه جانبه آن تا وقتی که چنین رژیمی حاکم است امکان پذیر نیست، ولی در عین حال دانشجویان معتقدند که با مبارزه یکپارچه و پیگیر و شجاعانه میتوان همین رژیم را به عقب نشینی وادار کرد تا اصلاحاتی در وضع آموزشی ایران بعمل آورد، این مبارزه کم اهمیت نیست و آسان هم نیست و نباید باصطلاح آنرا دست کم گرفت و کسیکه به اختناق و استبداد حاکم بر ایران واقف باشد بخوبی میداند که مبارزه بهر شکل و صورتیکه باشد در شرایط کنونی کشور ما بسیار دشوار است. رژیم ایران برای سرکوب هر نوع مقاومتی بهر وسیله دست میزند و در بکار بردن بدترین شیوه ها کوچکترین تردیدی را بخود راه نمیدهد. در چنین شرایطی است که جنبش دانشجویی جریان دارد و این جنبش در آینده گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد و شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» شعار همه دانشجویان و دانش آموزان، هنر جویان و هنر آموزان کشور بدل خواهد شد.

وضع دانشگاه و مشکلات دانشجویان رژیم سعی میکند زانده يك دولت دست نشانده و نیمه فتودال بدل سازد. اگر فقط به نحوه توزیع دانشجویان دانشگاه در بین دانشکده های مختلف توجه شود این حقیقت بخوبی آشکار میگردد که وضع آموزش عالی در ایران بهیچوجه پاسخگوی اجتماع کنونی ایران نیست - مثلاً عده زیادی از دانشجویان در دانشکده های چون معقول و منقول، ادبیات، علوم اداری، اقتصاد و حقوق تحصیل میکنند و حال آنکه تعداد دانشجویان در دانشکده های فنی، پزشکی و داروسازی علوم و غیره نسبت بدسته اول بسیار ناچیز است. رژیم بدین وسیله تعداد دانشجویان را زیاد نشان میدهد و کوشش میکند که از راه استادان امریکائی که بر این دانشکده ها

تحمیل شده اند نفوذ ایدئولوژیک ارتجاعی را بسط دهد، مثلاً در دانشکده حقوق سیستمی برقرار گردیده که يك سیستم امریکائی است. بیشتر استادان از میان تحصیلکردگان در دانشکده های امریکائی برگزیده شده اند و آنها طبیعتاً فقط تئوریهای را تدریس میکنند که توجیه کننده اوضاع کنونی مینماید. ماسه. بغیر از مسائل و مشکلاتیکه فعلاً گریبانگیر همه مردم ایران است و دانشجویان نیز در این مسائل شریکند، جنبش دانشجویی با مسائل خاص خود نیز مواجه میباشد. در اینجا ما فقط چند نمونه از این مشکلات را مطرح میکنیم:

۱ - بلای شهریبه هنوز هم یکی از مشکلات اساسی دانشجویان را تشکیل میدهد. سال گذشته بر اثر مبارزات دیگر دانشجویان علا از دانشجویان سال دوم بیلا شهریبه گرفته نشد. البته مقامات دانشگاه صریحاً لغوشهریه را اعلام نکردند، تا هم شکست مخفی بماند و هم اینکه برای اخذ مجدد شهریه در فرصت های مناسب بهانه ای داشته باشند. در سال جاری آنها به راه دیگری متوسل شدند و چهار راه یا چهار شق در برابر دانشجویان قرار دادند. در اینجا فقط بوردی اشاره میشود که به اکثریت دانشجویان مربوط میگردد. اکثریت دانشجویان را به شعب مختلف بانک ملی کشاندند و از آنها تعهد گرفتند که بعضی اطلاع برای امضاء مراجعه و سفته هائی را امضاء کنند که دانشجویان را متعهد میسازد تمام شهریه را با اضافه مقداری بهره افزوده شده بان پس از خاتمه تحصیل بپردازند. گرچه مقامات دانشگاهی و بانک هنوز جرأت نکرده اند که دانشجویان را برای امضای سفته دعوت کنند. این ترتیب مقامات دانشگاهی میتوانند در موقعیت مناسب خواستار امضای سفته گردند و پول بگیرند. تا زمانی که شهریه رسماً لغو نشود این خطر و تقصیر ها و توهین ها و دلهره ها بجای خود باقیست.

۲ - مشکل دیگر مشکل کتاب است. دانشجویان بارها نسبت به گرانی کتاب و جزوه ها اعتراض کرده اند. عده زیادی از دانشجویان قادر بخريد کتاب نیستند زیرا چاپ و انتشار کتاب عملاً بدست مشتى سود جو سپرده شده است. برای برخی از دروس اصولاً کتاب یافت نمیشود و یا چاپ و انتشار جزوه در بجهت امتحانات صورت میگردد.

۳، ۴، ۵ - گرانی غذا، نبودن وسیله نقلیه مخصوص دانشجویان، نبودن کتابخانه و وسایل لازم در بعضی از دانشکده ها و غیره... همه اینها مشکلات کنونی دانشجویان را تشکیل میدهند.

۶ - کوی امیر آباد که محل سکونت عده زیادی از دانشجویان شهرستانی است از بسیاری وسائل آسایش و بهداشت محروم است. فقدان وسایل لازم از جمله وسایل بهداشتی در کوی دانشگاه اخیراً موجب حادثه دلخراشی گردید. عین حادثه در کبهان ۲۵ آبان ماه ۱۳۴۷ چاپ شده است. یکی از دانشجویان دانشکده حقوق دانشکده هکدامیکه میخواهد برای شام بطرف رستوران

برود در پله ها سرش بسمت سیمانی سقف کوتاه راهرو اصابت میکند. بر اثر ضربه از پشت به زمین میخورد و سرش این بار به پله های راهرو میخورد و بهوش میشود. دوستانش فوراً بکمکش مشتتا بند و چون پزشک و آمبولانس در کوی دانشگاه نبود، با اتومبیل یکی از دانشجویان به بیمارستان پهلو میبرند. آنها هم او را نمیدیرند و دانشجویان ناچار دوست مجروح و بهوششان را (که حسین غروی نام داشت) به بیمارستان سینا میبرند و دو ساعت و نیم بعد او را به اطاق عمل منتقل میکنند ولی تلاش آنها بجائی نمیرسد و در اثر خونریزی حیوان دانشجویان در میگذرد. این حادثه جانخراش نشان میدهد که دانشجویان در کوی امیر آباد تأمین ندارند و وسایل اولیه درمانی در این کوی موجود نیست تا اگر دانشجویی سرش بجائی خورد و خون آمد بتوان معالجه اش کرد.

۷ - دانشجویان معتقدند که سیستم آموزشی دانشگاه فرسوده است و باساخت کوی احتیاجات امروزی نیست، و با اشکال مختلف نسبت باین جریان اعتراض میکنند، مثلاً در دانشکده های اقتصاد و حقوق بیشتر دانشجویان از حضور در سر کلاسها خود داری میکنند و با ارسال نامه به مطبوعات از وضع موجود شکایت میکنند.

۸ - بغیر از اشکالات درسی، اشکالات شهریبه و محل زندگی، دانشجویان هیچ نوع تأمینی ندارند، بدون هیچ مقدمه و بدون هیچ مجوزی کماندو ها و چتر باز ها دانشگاه را اشغال میکنند، بدون هیچ دلیلی منازل آنها را میگردند. کوی امیر آباد دائماً مورد حمله افراد سازمان امنیت قرار میگیرد، آنها شبانه وارد اطاقها میشوند و دانشجویان را میدزدند، دانشجویان بعلت نداشتن تأمین اجباراً اطاقهای خود را قفل میکنند و در موقع بگير و بیندها شب تا صبح بیدار میمانند. در خود دانشگاه نیز مأمورین سازمان امنیت فراوان اند و مزاحمت همیشه ادامه دارد، ولی نه اشکالات درسی، نه مزاحمت های دستگاههای دولتی و اولیاء دانشگاه و نه یابوشدوسی و بی قانونی سازمان امنیت، شهربانی و ارتش هیچکدام مانع مبارزه دانشجویان نیستند و مبارزه تحت شعار اتحاد مبارزه پیروزی ادامه دارد و تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داشت و دانشجویان پیروز خواهد شد.

از اواخر سال نظری به تجارب تحصیلی ۴۶ - ۴۵ مبارزات دو سال گذشته دانشگاه تهران بخاطر لغو شهریبه آغاز گردید. شعار این مبارزه چنین بود: «عدم تمکن مالی دلیل محرومیت از تحصیل نیست» شرکت اکثریت عظیم دانشجویان در این مبارزه خصوصیت عمده آنها تشکیل میدهد. دانشجویان آگاه و مبارز دانشگاه این اعتصا بات را رهبری کرده و در ایجاد و گسترش آن نقش مهمی ایفا کردند. عده زیادی از دانشجویان دستگیر شدند، زندانها و سرباز دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

در باره سفر هویدا به آمریکا

های بزرگ نفتی ملاقات و مذاکره کرده است، اینک به بنیم طبق مندرجات جرائد رسمی ایران چگونه درباره مسائل مذکور «تبادل نظر» شده و چه نتایجی از این مذاکرات بیار آمده است. اطلاعات مورخ ۱۶ آذر با استناد به اعلامیه‌ای که پس از ملاقات هویدا با جانسون منتشر شده می‌نویسد: «رئیس جمهور آمریکا نخست وزیر ایران متفقا اظهار عقیده کرده‌اند که پس از خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس لازم است کشور های این منطقه برای تضمین ثبات خلیج فارس با یکدیگر همکاری کنند. قسمت عمده اعلامیه کاخ سفید مربوط بامور مورد علاقه دو کشور و بیان کننده پیوند های استواری است که آمریکا و ایران را بیکدیگر مربوط میکند. در این اعلامیه به بهره برداری از منابع آب ایران و لزوم بسط مبادلات علمی و فنی بین دو کشور اشاره شده است و طرفین در عین حال تاکید کرده‌اند که سرمایه‌گذاری های خصوصی میتواند نقش مهمی در تحکیم پیوند های دو کشور ایفا کند. آقای هویدا بنوبه خود به پرزیدنت جانسون اطلاع داده‌اند که کشور ایران تصمیم دارد از نیروی دفاعی جدید برای دفاع از امنیت ملی خود برخوردار باشد و پرزیدنت جانسون تمایل ایالات متحده را به همکاری با ایران در این زمینه ابراز داشته‌اند.»

(تکیه بر روی بعضی از عبارات از ماست) از روی خلاصه فوق نکات ذیل روشن میشود:

۱- هویدا و جانسون برای «تضمین ثبات خلیج» از طریق همکاری کشور های این منطقه توافق دارند.

۲- ایران و آمریکا «پیوند های استواری» دارند که آنها را بهم مربوط میکند.

۳- در تحکیم این «پیوند ها» سرمایه‌گذارهای خصوصی امریکائی نقش مهمی ایفا میکنند.

۴- ایران مصمم است که از «نیروی دفاعی جدیدی» برخوردار باشد و آمریکا هم در این زمینه با ایران همکاری خواهد کرد. درباره نکته اول این سؤال مطرح میشود که «تضمین ثبات خلیج» یعنی چه؟ چگونه ثباتی در خلیج وجود دارد و چه خطری آنرا تهدید میکند که باید از آن جلوگیری کرد؟ آمریکا در این میان چه صیغه است که باید با کیفیت این «تضمین» توافق کند؟ جواب این سئوالات را باید در بیان سالیانه کمیته‌های غول آسای نفت که طلای سیاه کشور های مجاور خلیج را در محیطی ثابت و آرام غارت میکنند جستجو کرد.

ثبات خلیج بمعنی حفظ وضع موجود برای ادامه غارتگری این کمیته‌هاست و تضمین آن پس از خروج نیرو های انگلیسی در سال ۱۹۷۱، (اگر چنین امری واقع شود) ایجاد چنان نیرویی است که در وابستگی

نامرئی با میرالیست‌ها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا بوده و قادر باشد از هر نوع تعبیری در وضع موجود جلو گیری کند. برای ایجاد چنین نیرویی است، که ابتدا انگلیس هادست بشکلیک اتحادیه‌ای مرکب از شیخ نشین های ساحل غربی خلیج زدند. ولی این اتحادیه موجب ناخشنودی ایران که سر تا سر ساحل شرقی را صاحب بوده و داعیه رهبری در این منطقه را دارد، و احتمالاً آمریکا واقع گردید و روابط ایران و عربستان سعودی سردی گرفتند. سپس کوشش های تازه‌ای برای ایجاد «همکاری منطقه‌ای» که اینک مورد موافقت امریکاست آغاز شد بدین نحو که روابط ایران با دو کشور نفتی مهم خلیج یعنی عربستان سعودی و کویت و همچنین باعده‌ای از شیخ نشین‌ها با آمد و رفت ها در مسیر نزدیکی و دوستی افتاد و اینک بتدریج زمینه برای یکتوغ «همکاری» که ایران در آن جای برجسته‌ای داشته باشد فراهم میشود. احضار یا دعوت هویدا با آمریکا برای به نتیجه رساندن این کوشش‌هاست. مخبر روزنامه لوموند از تهران خبر میدهد که توافق جانسون و هویدا در این مسئله علامت پیروزی سیاست ایران درباره خلیج است. بقول لوموند «سیاست ایران جلو گیری از ورود هر نوع نیروی خارجی چه شوروی و چه آنگلسا کسون در خلیج و تضمین کشتیرانی در این منطقه از طرف کشور های مجاور خلیج با حفظ موقعیت ایران بعنوان نیروی اصلی در بین این کشور هاست.

درباره این سیاست که بظاهری بسیار «آراسته» جلوه میکند باید گفت که اولاً اتحاد شوروی در تمام طول پنجاه و یک سال عمر خود کمترین دخالتی در خلیج فارس نداشته و تصور ورود او بعنوان نیروئی در خلیج فارس هماغیر موهوم و بیمعنی و مضحک است که جلو گیری از ورود آنگلسا کسونها در خلیج فارس. سالهاست که آنگلسا کسونها نیروی واقعی خود یعنی کمیته‌های بزرگ نفتی را بر این منطقه تحمیل کرده‌اند و امروز هم تمام کوشش آنها و کشورهای وابسته بآنها از جمله ایران که بزرگترین شریان حیات اقتصادی در دست کسرسوموم و کمیته‌های امپریالیستی است، برای حفظ وضع موجود است که آنرا «ثبات» مینامند.

ماهم معتقدیم که تنها کشور های مجاور خلیج از جمله کشور ما صالح برای حفظ منافع خود در خلیج که متعلق بدانهاست میباشد اما واقعیت این است که:

اولاً مهمترین سر چشمه منافع این کشورها یعنی نفت در دست خود آنها نیست و فقط سهم ناچیزی بدانها میرسد.

ثانیاً حکومت‌هایی که در اکثر این کشور ها از جمله ایران بر سر کارند، چنان پیوند هایی با امپریالیسم دارند که بآنها اجازه نمیدهد نیروی جهنمی امپریالیسم را از خلیج برانند. برای امپریالیست‌ها ورود بخلیج تحصیل حاصل است و احتیاجی به «ورود» ندارند.

آنها چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی چنان در رگ و پوست اکثر کشور های این منطقه ریشه دوانده‌اند که خروج عده محدودی سرباز انگلیسی از این منطقه بگاو و گوسفندشان لطمه‌ای نمیزند. آنچه گاه و بیگاه بصورت اختلافات و یا قهر و آشتی ها در این منطقه رخ میدهد، با بروز اختلافات بین خود امپریالیست‌ها و با حفظ حیثیت و شان ظاهری این یا آن کشور حداقل از نظر داخلی مربوط میشود، و گر نه مسئله اصلی که عبارت از ریشه کن کردن واقعی نفوذ امپریالیست‌ها باشد مطرح نیست. در چنین چهار چوبی است که هویدا میتواند خود را پیروزمند بداند!

درباره نکته دوم باید گفت که اظهارات هویدا دایر بوجود «پیوندهای ناگسستی» با آمریکا که آنرا «پیوندهای تاریخی» مینامد تحکیم کلیه مواضعی است که آمریکا از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و نظامی بوسیله قرارداد های تحمیلی از قبیل سنتو، قرارداد دوجانبه با آمریکا، کسرسوموم نفت و صدور سرمایه بایران و غیره بضرر منافع مردم ایران، پس از کودتا بدست آورده است.

سومین نکته‌ای که در اعلامیه بدان اشاره شده تحکیم این پیوند ها از طریق توسعه سرمایه‌گذاری خصوصی امریکائی در ایران است. لازم بتذکار نیست که این سرمایه‌ها از سفر دور و دراز خود بایران قصدی جز استثمار زحمتکشان ما ندارند و هرچه دولت ایران در این زمینه یافشاری کند، کوششی است که در حال و آینده بضرر مردم ایران است. حکومت ایران پس از کودتا چنان قوانین مساعدی برای سرمایه های امپریالیستی در ایران وضع کرده و چنان «ثبات» وحشت زائی با سر کوب هر گونه جنبشی اعم از از سیاسی و صنفی بوجود آورده که در سالهای اخیر بقدر کافی دیگک طمع سرمایه‌داران را بجوش آورده بطوریکه با سرعت پیشباقای بکشور ما سرازیر شده‌اند.

چهارمین نکته اعلامیه مربوط به آماده بودن آمریکا بهمکاری با ایران برای ایجاد نیروی «دفاعی جدید» است دولت ایران مدعی است که گویا خطر بزرگی (!) ایران را از جنوب تهدید میکند و این خطر ناشی از ماجراجویی بعضی از «رهبران غیر منطقی و بدون مسئولیت» در بعضی از کشور هاست که دارای سلاحهای جدید هستند و ایران میخواهد چه از نظر نظامی و چه از نظر اقتصادی قدرت خود را افزایش دهد تا در برابر این خطر بدون سلاح نباشد. (مستخرج از اظهارات هویدا در میهمانی وزیر خارجه امریکا. اطلاعات ۱۶ آذر) در این مورد این سؤال پیش میآید که این ماجراجویان کیانند؟ اگر مقصود عبدالناصر رئیس جمهوری مصر و با رجال حکومت سوریه‌اند که آنها در جنگ تجاوز کارانه ژاندارم امریکادر خاور

میانه یعنی اسرائیل چنان در گیر هستند که تصور تجاوز آنها بایران و یا بخلیج فارس بفرض اینکه چنین قصدی وجود داشته باشد جز تصویری واهی و غیر از بهانه جوئی برای خرید سلاحهایی از نوع فاتوم، چیز دیگری

نیست. هویدا از یکطرف در امریکا سعی میکند که از بانکها برای اجرای برنامه چهارم وام بگیرد و با کمیته‌های نفتی مذاکره میکند تا میزان استخراج نفت را برای «ازدباد درآمد ایران» بالا ببرد و از طرف دیگر آن سهم ناچیزی را هم که ما از درآمد نفت داریم صرف خرید اسلحه و مهمات مینماید.

سالهاست که قسمت مهمی از درآمد کشور ما صرف تجهیز ارتش میشود، و هم اکنون نیز قسمت قابل توجهی از بودجه کشور به ارتش اختصاص دارد، با این حال شاه در مسافرت خود با آمریکا کوشش کرد تا ششصد میلیون دلار هواییما نوع (فاتوم) بخرد و قول گرفت امریکا سالی یکصد میلیون دلار از این نوع هواییما بایران بفروشد و اینک هویدا بار دیگر بعنوان مقابله با «ماجراجویان» برای خرید اسلحه بیشتر یافشاری میکند و از آمریکا و عده همکاری میگیرد. گرچه جرائد و مقامات دولتی مسافرت هویدا با آمریکا را موفقیت آمیز جلوه میدهند، اما واقعیت این است که هویدا از این مسافرت نه تنها چیزی برای مردم ایران بامرغان نیاورده و چنین انتظاری هم نمیرفت، بلکه با اظهارات خود

در موارد متعدد وابستگی ایران را با امپریالیسم امریکا تأکید و تصریح کرده و بقول روزنامه لوموند ۱۹ دسامبر بخصوص بر این نکته که ایران با کشورهای غربی منافع مشترک و با آمریکا دوستی تاریخی دارد تکیه نموده است. ما با نفس مسافرت با آمریکا مخالف نیستیم اما بکوقت نخست وزیری مانند دکتر مصدق با آمریکا میرویم باین منظور که از منافع کشور ما در شورای امنیت در مقابل امپریالیست‌ها دفاع کیندو زمانی هویدا بدستور امریکا بدانجا میروید تا پیوند های کشور را با امپریالیسم امریکا تحکیم نماید. آن يك خدمت بیهن و مردم است و این يك زیان و خسران ب مردم و میهن.

زاویه دنباله از صفحه ۳

جنبش دانشجویی ایران

خانه‌ها اعزام گردیدند. دانشجویان اعتصابی در عین تعقیب هدف اصلی (یعنی لغو شهری) خواستار آزادی دوستان خود گردیدند. بالاخره اعتصاب با پیروزی نسبی دانشجویان پایان یافت و شعار «اتحاد مبارزه پیروزی» عملاً بتحقق رسید. البته در جریان اعتصاب در اردیبهشت ماه ۴۶ چپ رویها و اشتباهاتی نیز صورت گرفت که باید بان توجه کرد، همانطوریکه گفته شد، عمومی بودن این اعتصاب خصوصیت عمده و وثیقه پیروزی آن بشمار میرفت و این خصوصیت از نظر همه دانشجویان در مورد لغو شهری ناشی میگردد، بنا بر این نادیده گرفتن این شعار و پیش کشیدن شعار های نادرست خود یکتوغ اعتصاب شکنی بود و متأسفانه این نوع اعتصاب شکنی چندین بار مشاهده گردید. بعضی از دانشجویان بعنوان اینکه شعار «لغو شهری» فقط بهانه است و باید آنرا کنار گذاشت و دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

پنجده سال مبارزه قهرمانانه

شهرها و مزارع اشتراکی بسج کند. از همان سالهای اول تأسیس کومسومول جوانها آموختند که سوسیالیسم را بدون دانش نمیتوان بنا نمود و همه آنها برای خود آموزی، برای شرکت در کلاسهای شبانه، برای رفتن به مدارس و دانشکدهها از هیچ کوششی دریغ نکردند.

در سالهای ۲۰ و ۳۰ فعالیت کومسومول دامنه بیشتری بخود گرفت. در این دوره تحت رهبری حزب کمونیست، کومسومولها در راه صنعتی کردن کشور، تعاونی کردن کشاورزی، تقویت نیروی دفاعی کشور، آماده ساختن میلیونها کادر جوان و از طریق اجرای قبل از موعد نقشه های ۵ ساله بطور فعال در ساختمان سوسیالیسم در کشور شرکت جستند.

در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۱ فاشیستها راهزنانه بشوروی حمله ور شدند، میلیونها مردم شوروی کار صلحجویانه خود را رها کردند و بدفاع از میهن شتافتند. کمیته مرکزی کومسومول از همه جوانها خواست که برای دفاع از میهن بیاخیزند. فقط در استالینگراد سه چهارم اعضای کومسومول در سنگرها از شهر دفاع میکردند. در بیشتر جاها و بخصوص نقاطی که دشمن نزدیک بود، جوانها کمیته های خود را موقتاً تعطیل میکردند و اعلام میداشتند «همه ما بجهت رفته ایم».

قهرمانی و جانبازی در راه میهن، در دوران جنگ میهنی نیز مانند جنگهای داخلی و ساختمان سوسیالیسم باوج خود رسید. سرباز سرخ الکساندر ماتروسف عضو کومسومول با بدن خود روزنه آشنانه مسلسل را پوشاند. او شهید شد ولی جان صدها نفر را نجات داد و موفقیت حمله گروه خود را تأمین نمود. فداکاری برجسته ماتروسف در زمان جنگ ۲۰۹ بار تکرار شد. جوانانی که در نقاط اشغالی مانده بودند، در سازمان های مخفی متشکل شدند. در سالهای ۱۹۴۲ در سر زمینهایی که موقتاً از جانب فاشیستها اشغال شده بود ۱۷۸۰ سازمان کومسومول فعالیت میکردند. کومسومولها در شهر کراسنودن زیر آتش دشمن، سازمان معروف خود، کارد جوان را بوجود آوردند. این سازمان حماسه آمیز بارها ضربات شدیدی بفاشیستها وارد ساخت و اعضای آن قهرمانانه تا آخرین لحظه زندگی خود دشمن را کوبیدند. زویا کومسومو دمیانسکایا دختر دانشجویی که در مسکو تحصیل میکرد، داوطلبانه به پشت جبهه رفت و یارترینها پیوست. وی در یکی از مأموریتها دستگیر شد ولی علیرغم شکنجه های مخوف رفقای خود را لو نداد و وقتی که در میدان ده جلوی تماشاچیان او را بدار میزدند تا اهالی را بترسانند، زیر چوبه اعدام فریاد زد: «من تنها نیستم، ما ۲۰۰ میلیونیم، همه ما را نمیتوانید دار بزنید.» و بدژخیمان و سربازان هیتلری گفت: «بهتر است هر چه زود تر تسلیم شوید، بالاخره از خاک ما جان سالم

بدر نخواهد برد.»

کسانیکه در کارخانه ها و مزارع کار میکردند این شعار را بالای سر خود آویخته بودند «هم بجای خود و هم بجای رفیق که بجهت رفته است کار کن» در اینجا نیز جوانان قهرمانی میکردند، آنها مرخصی و استراحت نداشتند، در همان محل کار میخواستند و همانجا غذا میخوردند. کارخانهها و ساختمانها سرد بود، غذا نمیرسید، بمبارانها قطع نمیشد ولی آنها وظایفی را که کومسومول و حزب بعهدشان گذاشته بودند صمیمانه انجام میدادند. جوانان یک بلیون روبل برای دفاع از میهن تحویل دولت دادند. سه میلیون و نیم نفر از اعضای کومسومول بدریافت مدالهای جنگی نائل آمدند و ۷ هزار نفر قهرمان اتحاد جماهیر شوروی شدند. کومسومول روسی میخائیل یگورف و کومسومول گرجی ملیون کاتارا، دوسرباز ارتش شوروی بودند که پرچم پیروزی را از سنگرهای خونین و خیابانهای ویران و دود آلود برلین به بالای رایشتاگ رساندند و به اهتزاز در آوردند.

جنگی که هیتلرها به شوروی تحمیل کردند باقتصاد ملی شوروی زبانهای فراوانی وارد آورد، خسارت شوروی ۲ تریلیون ۵۶ میلیارد روبل بود، این را میشد جبران کرد، ولی میلیونها انسان شوروی که کشته شده بودند، قلب همه ملل شوروی را جریحه دار ساخته بود. مردم عزیزان خود را از دست داده بودند، اشک شادی از پیروزی با اشک درد های بی پایان از مصائب جنگ توأم شده بود، کسانیکه خانه و زندگی خود را از دست داده بودند بازهم با شوق و ذوق شروع بساختن خانه خود کردند. شعار «نقشه پنج ساله را در چهار سال اجرا کن» بشعار کومسومولها بدل شد. باز هم قهرمانانی از صفوف کومسومول پیدا شدند. در سال ۵۴ جوانها برای آباد کردن زمینهای بایر شتافتند و در عرض دو سال ۴۲۵ سوخوز در این نقاط بنا کردند. در سال ۵۸ حزب از کومسومول خواست که ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جوان را برای کارهای ساختمانی بفرستد، تاکنون ۷۰۰ هزار نفر داوطلب شده اند بنقاط تازه بروند و کارهای ساختمانی را شروع کنند. اولین گروهی که بسواحل رودخانه آنکارا آمدند ۱۲ نفر بودند ولی حالا ایستگاه هیدرو الکتریک براتسک بزرگترین ایستگاه در جهان و شهر جدید براتسک در این نقطه ایجاد شده است. تا چندی قبل فقط زمینهای بایر و تایگا وجود داشت ولی امروز ۱۰۰ هزار نفر در شهر جوان براتسک زندگی میکنند و دارای تئاتر، ایستگاه تلویزیون و رادیو هستند و از نظر تولد نوزاد اولین شهر جهان است و تعجبی هم ندارد، چون سن متوسط ساکنین این شهر ۲۷ سال است.

جوانان کار نو، ابتکار تازه و ماجرا های جدید را دوست دارند و همیشه میخواهند در صف نو آوران باشند و به آموزش لنین که گفته بود، همیشه در صفوف اول و بین نو آوران باشید، وفادارند.

در این نقاط که همه چیز با زدن چادر

دنباله از صفحه ۲

«چپ نو»

«چپ نو» که در آن گرایشهای مختلف انحرافی ایورتونیستی راست و ماجرا جوانانه چپ دیده میشود برای جریان سالم و اصیل مارکسیستی لنینیستی، برای حفظ پاکیزگی مشی احزاب مارکسیستی لنینیستی هم منشاء خطر است و هم نیروی است که باید آنرا از عناصر ناسالم پاک کرد و براه صحیح انداخت بدینجهت نباید آنرا ساده کرد. نباید آنرا ناچیز گرفت. باید با آن از طریق گفتهگو و دیالگ دوستانه گرفته تا مبارزه سر سخت عنودانه طبقاتی روبرو شد. باید عناصر باحسن نیت را از این جریان بسوی یک جریان اصیل جلب کرد، عناصر تصادفی را خنثی گذاشت عناصر دشمن را افشاء و منفرد نمود و بتدریج بسوی یک وحدت نوین و ارگانیک نهضت انقلابی کارگری جهانی رفت. این کاری است دشوار ولی شدنی و مسلماً طی سال ها پیروز خواهد شد. ما باور و ایمان راسخ داریم که جنبش انقلابی بر بحرانیهای درونی خود، بر اختلافات خود فائق خواهد شد و بصورت جنبشی مجهز به اندیشه های سالم، خلاق، نو و جذاب نقش پشاهنگ خود را بهتر ازیش در تاریخ ایفا خواهد کرد.

در ایران باین جریانات انحرافی سوسیالیست نما، دولت منارشیستی میدان میدهد! عدهای از مجلات و روزنامه ها وقت خود را صرف افشاندن بنر تردید و نفاق و سست کردن پایه باور باصول انقلابی می کنند ما وارد این بحث نمیشویم که آیا این تصادفی است یا از روی نقشه؟ آیا نویسندگان مقالات این مجلات (و از آنجمله مجله فردوسی که

ها شروع میشود، همه چیز با مشکلات فراوان آغاز میگردد و بی پایان میرسد، جائیکه همه چیز تازه است، کار و زندگی به استحکام اخلاقی و برجستگی فکری و اراده نیازمند است و جوانها این را میدانند، ولی مبالغه نمیکنند و همیشه با سادگی و فروتنی از کار های تازه خود سخن میگویند.

جوانان در همه جا در صفوف اول اند، از هر ۱۰۰ کومسومول ۵۵ نفر مدارس عالی یا متوسطه را تمام کرده اند و نصف دانشمندان شوروی کمتر از ۳۰ سال دارند. جوانان شوروی هیچگاه به مبارزه طبقاتی بی اعتناء نیستند. آنها با تنفر از تجاوزات امپریالیستها در ویتنام، افریقا، آسیا و امریکای جنوبی یاد میکنند. از دیکتاتوری از استعمار و تجاوز بیزارند و تمام نهضتها و جنبشهای خلقها کمک میکنند.

امروز کارت عضویت کومسومول مظهر

صداقت حزبی و یک شناسنامه انقلابی است،

مدال کومسومول بخشی از پرچم سرخ است

و سازمان جوانان کمونیست شوروی دبستان

دلاوری و فداکاری است. کومسومولها در

همه جا تحت رهبری حزب کمونیست شوروی

برای ساختن جامعه نو برای جوان کردن

جهان کهن مبارزه میکنند.

م. ا. م.

در این زمینه تمرین طولانی دارد) از زمره افراد با حسن نیت و صدیقند یا نه؟ زیرا در اینجا نیت مطرح نیست بلکه نتیجه مشخص عمل مطرح است. نتیجه مشخص عمل اینست که این مجلات و این نویسندگان باور به انقلاب، باور به صحت سوسیالیسم، باور به کشور های سوسیالیستی، باور به توده ها باور به احزاب انقلابی، همه را بندرت با استفاده از دلایل و فاکتورهایی که میتواند دارای این یا آن محتوی جالب باشد وغالباً با سفسطه های ماهرانه و «غالمانه» سست میکنند. باید تصدیق کرد که وظیفه شک آفرینی و بی ایمان سازی خود را بد انجام نمیدهند. نیرو های سالم انقلابی در هر جا که هستند ضرور است گوشه زنگ باشند و از پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم، از وحدت نیرو های کمونیستی و کارگری، از دوستی با اتحاد شوروی، از اصول و موازین آزموده و مسلم دانش انقلابی دفاع کنند. در اینکار باید بدون خشکی و قسرت، بشکل خلاق، با روشهای مؤثر، با استدلالات دلنشین، با انصاف و عینیت علمی عمل کرد تا نتیجه بخش باشند بر این صورت و لو برای دوران موقت سفسطه گران می برند.

۱. سپهر

دنباله از صفحه ۴

جنبش دانشجویی ایران

شعار های «تندتری» را بمیان آورد، عملاً به اعتصابات و مبارزات اکثریت دانشجویان لطمه میزدند. هنگامیکه مقامات دانشگاه در برابر مبارزه بیکسیر دانشجویان عقب نشینی کرده و با لغو پرداخت شهریه سال تحصیلی ۴۶ - ۴۵ موافقت نمودند، چند نفر بجای آنکه از این امر برفع وحدت باز هم بیشتری استفاده کنند و از پیروزی برای تشکیل بیشتر، برای تهییج و تشویق دانشجویان در مبارزات جمعی و وحدت عمل بهره برداری نمایند به پافشاری بر روی شعار های چپ روانه ادامه دادند و بدینوسیله خود را از اکثریت دانشجویان جدا ساخته و راه را برای دستبرد پلیس باز گذاشتند.

برای پیروزی و تثبیت پیروزی باید شعار های صحیح را پیش کشید، شعارهایی که اکثریت دانشجویان را با اتحاد و مبارزه جلب کند، نباید این یا آن دانشکده را باصطلاح معاف کرد و یا عده ای را فراموش نمود، بلکه باید همه را جلب کرد و در جلب استادان و کارکنان دانشگاه نیز کوشش نمود. مبارزات دانشجویی در سال تحصیلی ۴۷ - ۴۶ در مسیر تازه ای گام نهاد. با آنکه مبارزات سال گذشته سهم عمده ای در بیداری دانشجویان ایفا کرد، ولی این مبارزات نواقصی هم داشت که عده ترین آن نبودن شعار مشخص که بتواند همه دانشجویان را بسیج کند بود. دانشجویان علاوه بر تقاضای صنفی، آزادی رفقای زندانی و بازداشتی خود را طلب میکردند، در چند مورد نیز شعارهایی مربوط به مطالبه تشکیل سازمان

دنباله در صفحه ۶

شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی

در گذشت رفیق نواسارویان

کمک‌های اتحاد شوروی برای سرنوشت کوبا در سالهای اخیر جنبه قاطع داشت بخشی از

بیانات فیدل کاسترو

در میتینگ اخیر در هوانا «کشور ما میتواند خوش بینی و شادمانی خود را در مورد کامیابهای حاصله و دورنمای عالی آینده بیان دارد. ولی این بیانات کاملاً موجه و این خرسندی کاملاً صادقانه نخواهد بود اگر همه فضایل و خدمات را بحساب خود بنویسیم. باید در این لحظه که از کامیابی کشور خود سخن میرانیم و برای آن دورنمایی عالی پیش بینی می‌کنیم خاطر نشان سازیم که همبستگی اردوگاه سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی چه اهمیتی برای ما داشته است. (کف زندها)

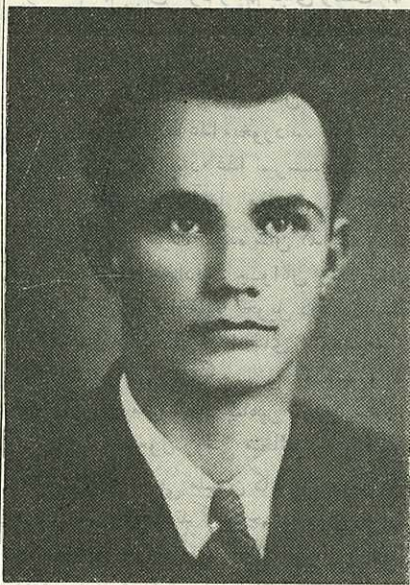
مواردی بود که در برخی مسائل نظریات معنی داشته‌ام و آنها را با صداقت و صمیمیت کامل بیان کرده‌ام ولی همین شوه صراحت و صمیمیت ما را موظف می‌سازد که اکنون نیز تأیید کنیم که این کمک برای کشور ما در این سالهای دشوار کمک قاطع بود.

در زمانی که تولید ما در سطح نازل قرار داشت، در نخستین سالها، آنها برای ما خوار بار به کوبا فرستادند. در لحظات تهدید شدیدی کشور ما مسلح دادند. در نظر بگیرد که بهای این اسلحه بیشتر از آن تجهیزات است که ما برای رشد کشور خود بکار بردیم زیرا اسلحه بسیار گران است و ما این اسلحه را مجانی دریافت داشتیم (کف زندها).

هنگامیکه از جهت کار شناس برای نقشه‌های صنعتی و کاوشهای زمین شناسی و ساختمان و سد سازی و هزاران نیاز دیگر دچار کمبود و اشکال بودیم، همه گونه کمک فنی را بدست آوردیم... در پایان باید با توجه کامل تصریح کنیم که این کمک‌ها برای ما جنبه قاطع داشت.

(مردم): اکثر بیانات مکرر رهبران ویت‌نام شمالی و جبهه هائو بخش ملی ویت نام جنوبی و کوبا و رهبران کشور هائو که طعمه تجاوز اسرائیل شدند درباره یک همه جانبه و مؤثر اتحاد شوروی را در نظر بگیریم، انگاه به بوجه اتهامات مائولینست‌ها درباره اینکه کوبا اتحاد شوروی جنبش انقلابی را رها کرده و سازش با امپریالیسم برداشته؛ پی می‌بریم.

اتفاق افتاد، دانشجویان بازداشت شده‌ای که بعنوان سرباز به یادگان شهر فرستاده شده بودند با اصرار فراوان از فرمانده یادگان درخواست کردند که آنها را برای کمک بنقاط آسیب دیده بفرستند. سربازان و افسران از اینهمه شور و هیجان تحت تأثیر قرار گرفتند و دانشجویان بازداشت شده را به مناطق زلزله زده فرستادند. علیرغم موانع و مشکلات و نداشتن وسائل و آزادی عمل این دانشجویان پر دل و وظیفه ملی و مهنی خود را در برابر هموطنان زلزله زده بجای آوردند و نشان دادند که این باصطلاح «آشوبگران» و «اخلالگران» در واقع بهترین فرزندان خلقهای مهن خود هستند.



بندهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق روبن نواسارویان در دیماه ۱۳۴۷ در سن چهل و سه سالگی درگذشت. وی که کارگری زحمتکش بود از سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد. رفیق نواسارویان از مسئولین فعال حزب و مجاهدین اتحادیه‌های کارگری بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد، رفیق نواسارویان عضو مؤثر و فعال حزب مادر تهران دستگیر و زندانی شد. شش‌هفته‌های وحشیانه سازمان امنیت و شرایط ناسازگار زندان او را به بیماری کبیه دچار نمود. پس از رهایی از زندان بر اثر تعقیب مداوم پایش ناگزیر از مهاجرت به همراه مادر و سه فرزند خود شد و سرانجام بر اثر بیماری سرطان درگذشت. ما این درگذشت نابهنگام را بخوانده رفیق فقید صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

بنالاه از صفحه ۵

جنبش دانشجویی ایران

صنعی دانشجویی بمیان آمد. علاوه بر آن دانشجویان در چند تظاهر خارج از دانشگاه فعالانه شرکت کردند، مانند تظاهرات روزهای هفتم و چهارم در گذشت جهان پهلوان تخی.

پلیس از ترس گسترش مبارزات دانشجویی یکبار دیگر به حریم دانشگاه تجاوز کرد و عدّه زیادی از دانشجویان را دستگیر نمود. ناگفته نماند که تقریباً همه دانشجویان دستگیر شده را بداشتن تمایلات کمونیستی متهم کرد و به این بهانه سازمان امنیت آنها را مورد بی احترامی، توهین و بد رفتاری و شکنجه قرار داد. اکثر دانشجویان بازداشت شده را به یادگانهای مختلف استان خراسان فرستادند و در آنجا آنها را «اخلالگر و آشوبگر» معرفی نمودند. شجاعت و مردانگی دانشجویان دستگیر شده در مقابل اینهمه فشار واقعاً قابل تحسین است. هنگامیکه فاجعه زلزله خراسان زحمتکشان، حفظ استقلال و آزادی ملل و حراست صلح جهانی نائل شویم. شورای عمومی پس از تصویب برنامه فعالیت فدراسیون و قطعنامه‌های مربوطه در ۱۹ دسامبر کار خود را با بیان رسانید.

ح. فروردین

خواسته‌های مرم زحمتکشان است. زحمتکشان میخواهند از ثمرات پیشرفتهای فنی و علمی بهره بیشتری برگیرند. برای استراحت و استفاده از فرهنگ معاصر فرصت بیشتری داشته باشند، تقییل ساعات کار را در عین حال وسیله مبارزه علیه بیکاری میدانند که اینک در کشورهای سرمایه داری در نتیجه انقلاب علمی و فنی به یک بلبه اجتماعی مبدل شده است. طبقه کارگر در همه کشورهای سرمایه داری برای تأمین آموزش عمومی و حقوق و آزادیهای سندیکائی مبارزه میکند.

در کشور های در حال رشد که برآه رشد سرمایه داری میروند مبارزه طبقاتی بین توده‌های مردم از طرفی و انحصارهای امپریالیستی و سرمایه داران و زمین داران بزرگ این کشورها روز بروز حدت بیشتری کسب میکند. در این کشورها هیئت حاکمه بویان مردم زحمتکش سرمایه داران و انحصارهای خارجی امتیازاتی میدهد. وسائل تشدید نفوذ انحصارها را فراهم میکند. سیاست هیئت حاکمه در این کشورها عبارت است از محدود ساختن تأمین و بیمه های اجتماعی، افزایش مالیاتها، محدود کردن و یاختف کامل آزادی های سندیکائی و حق اعتصاب. در این کشورها زحمتکشان و اتحادیه های آنها اشکال مختلف علیه سیاست ضد ملی و ضددمکراتیک هیئت حاکمه برای دفاع از منافع زحمتکشان و بهبود شرایط زندگی آنان، برای کسب حقوق و آزادیهای سندیکائی و در راه استقرار اقتصاد مستقل و ملی، برای دمکراتیزه کردن زندگی اقتصادی و اجتماعی و علیه نفوذ و سلطه سرمایه انحصاری خارجی و سیاست امپریالیستی جنگ و تجاوز مبارزه میکنند.

نمایشنی مجبور گردیده از اقدامات تجاوز کارانه در نقاط دیگر جهان دست برداشته است. کودتا های جدید در کشورهای امریکای لاتین و در کشورهای نو استقلال آفریقا، عملیات تحریک آمیز علیه جمهوری دمکراتیک کره، حوادث یونان، وضع خاور میانه که در آن اسرائیل هر روز علیه کشورهای عربی به تجاوز جدیدی دست میزند و همچنین تشدید تجاوز کاری جمهوری فدرال آلمان گواه بر این مدعا است. در وضع بغرنج بین المللی کنونی و در قبال تشدید تجاوز کاری امپریالیسم شرکت طبقه کارگر در مبارزه همه خلقها برای صلح اهمیت درجه اول کسب میکند و مبارزه برای همزیستی مساومت آمیز کشورهای دارای سیستمهای اجتماعی مختلف، برای خاتمه دادن به سیاست بلو کهای نظامی، برای تأمین امنیت جمعی کشورهای اروپائی که امکان یکی از هدفهای عمده سیاست و فعالیت فدراسیون را تشکیل میدهد.

شورای عمومی مبارزات مطالباتی طبقه کارگر را جمع بندی کرد. نتیجه این جمع بندی آن است که در دوران اخیر مبارزه مطالباتی دامنه وسیعی کسب کرده و مبارزه طبقاتی بین زحمتکشان و انحصارها حدت یافته است. در اکثر کشورهای سرمایه داری، علیرغم مقاومت شدید کار فرمایان، طبقه کارگر در نتیجه مبارزه در زمینه افزایش دستمزد ها، تقییل ساعات کار و تأمین حقوق سندیکائی کامیابیهای قابل توجهی بدست آورده است. انحصارهای سرمایه داری و دولتهای فرمانبردار آنها میکوشند با وجود ترقی روز افزون هزینه زندگی با شوه های گوناگون از افزایش دستمزد ها جلوگیری کنند، نتایج وخیم بحران پولی و ارزی سیستم سرمایه داری را به مردم زحمتکش تحمیل نمایند. برای مقابله با توطئه مشترك کار فرمایان و دولتهای آنها، طبقه کارگر و سندیکاهای کار گیری برای دستمزد ها خواهان اشل متغیر هستند. تقییل ساعات کار بدون کاهش میزان دستمزد نیز یکی از